

ایرج اسکندری

نگذاریم غبار فراموشی

بر چهره هیچیک از

رهبران حزب توده بنشیند

پیشانی بلند و قامتی کوتاه تر از متوسط؛ خصوصیات ظاهری زنده یاد ایرج اسکندری بود. عموزاده سلیمان میرزا اسکندری، از گروه ۵۳ نفر و از بنیانگذاران حزب توده ایران. نماینده دوره چهاردهم مجلس شورای ملی، وزیر هنر و پیشه در کابینه قوام السلطنه و سالها (تا انقلاب ۵۷) دبیر اول حزب توده ایران. بسیار خوش طبع و بزله گو بود. تاریخ باستان ایران را خوب می شناخت و یکی از خبرگان آثار باستانی ایران بود. اگر، در همین ابتدا ننویسم که او در کنار شادروان تقی ارانی، نخستین دوره مجله وزین "دنیا" را منتشر می کرد، کوتاهی کرده ایم.

ایرج اسکندری در ۱۲۸۶ شمسی متولد شد. شش سال در خارج از کشور تحصیل کرد و چهار سال تمام در زندان رضاشاه بسر برد. ترجمه فارسی "کاپیتال" مارکس شناسنامه دانش و تسلط او به زبان های فارسی و فرانسه است.

۱۸ ساله بود که مدرسه سیاسی را تمام کرد و بعدها در این رشته تخصص یافت. در ۱۳۱۰ از اروپا به ایران بازگشت و با همکاری دکتر ارانی مجله "دنیا" را تاسیس کرد. مقالات اقتصادی این مجله را عهده دار شد.

در دوران تحصیل خویش به ترتیب در شش دبستان و دبیرستان و دانشکده ایران و فرانسه تحصیل کرد.

در فرانسه بدون اینکه دکتر ارانی را که در آن موقع مقیم آلمان بود ملاقات کرده باشد پایه های دوستی خود را با او ریخت و با هم برای مبارزه هم آهنگ شد.

در ۱۳۱۵ به محض آنکه صدرااشراف وزیر دادگستری شد از کار خود در وزارت دادگستری استعفا داد. برای او این یک پرنسیپ بود که با امثال "صدر الاشراف" همکاری غیرممکن هم نکند. او حقوقدانی مسلط به فلسفی و علم اقتصاد بود.

در محاکمه ۵۳ نفر زیرکانه ترین دفاع حقوقی، دفاع ایرج اسکندری از گروهی بود که به جرم مطالعه مارکسیستی بازداشت شده بودند.

زمانی که رضا شاه سقوط کرد و درهای زندان به روی زندانیان سیاسی وقت باز شد، او در محوطه زیر ۸ زندان همه زندانیان سیاسی را به احترام دکتر ارانی فراخواند تا بایستند و به یاد او که بزرگترین قربانی دخمه های مخوف زندان رضاخان بود سکوت کنند. آنها با ارانی به زندان رفته بودند و بدون ارانی آزاد می شدند. این اولین مراسم یاد بود دکتر ارانی بود، که بعدها هر سال به همت توده ای ها برگزار شد.

پس از آزادی در تاسیس حزب توده ایران شرکت موثر داشت. در سال دوم آزادی خود از زندان امتیاز روزنامه "رهبر" را گرفت و برای سال ها، همین روزنامه که مدیریت آن با ایرج اسکندری بود مشهورترین و پر تیراژ ترین ارگان حزبی در خاورمیانه بود.

در نخستین کنگره حزبی عضویت او در کمیته مرکزی تثبیت و عضو هیات سه نفره دبیران سیاسی حزب توده ایران شد.

در دوره چهاردهم مجلس شورای ملی از شهرستان ساری به نمایندگی مردم انتخاب شد و در همین مجلس معروف ترین نطق های پیش از دستور و پیشنهادهای قانونی متعلق به ایرج اسکندری بود.

زنده یاد ایرج اسکندری عمیقاً معتقد به اصول دموکراسی بود و برای دفاع از آن از هیچ فرصتی چشم پوشی نکرد. حتی در دولت علی امینی که فضای نیمه باز سیاسی اعلام شده بود، ایرج اسکندری آمادگی خود را برای بازگشت از مهاجرت به رهبری وقت حزب اعلام داشت. از او درباره نحوه ورودش به ایران سؤال کردند و اسکندری گفت:

مهاجرت، مثل یک سفر است. من از سفر به ایران باز می‌گردم. در فرودگاه مهرآباد خود را معرفی می‌کنم و سپس مثل همه ایرانی‌ها دیگر می‌روم به خانه ام تا صبح روز بعد بروم سر کارم. یعنی مرخصی و سفر تمام شده و باید کلپ حزب توده ایران را باز گشود!

نه دولت امینی برای چنین فضای باز سیاسی بر سر کار آمده بود و نه حزب توده ایران درنده خونی دربار شاهنشاهی را فراموش کرده بود. عمر دولت امینی بسیار کوتاه بود و امریکائی‌ها شاه را به امینی ترجیح دادند! متینگ یکصد هزار نفره میدان جلالیه تهران که ملیون و دانشجویان مبتکر آن بودند یگانه یادگار دموکراسی در دل اختناق ۲۸ مردادی از دوران علی امینی باقی ماند. شاه یکبار دیگر دست یاری به سوی امینی دراز کرد، اما دیگر زمان رفرم و اصلاحات گذشته بود و از دست آن مرد سیاست پیشه نیز کاری ساخته نبود. امینی زودتر از شاه ایران را ترک کرد و انقلاب ۵۷ سراسر ایران را درنوردید.

ایرج اسکندری به روحانیت، پیوسته به چشم پاسداران اختناق می‌نگریست و به همین جهت نیز از سرانجام انقلاب ۵۷ در بیم و هراس بود و در دوران انقلاب طرفدار فاصله‌گیری از سرنگونی سلطانه نظام شاهنشاهی. از ابتدای سال ۵۵ می‌دانست کار شاه و نظام او از مرز رفرم و اصلاحات گذشته است، اما همچنان امیدوار بود جبهه‌ای مرکب از نیروهای ملی سرنوشت کشور را پس از سرنگونی شاه برعهده گیرند. این آرزو و امید اسکندری بود، اما انقلاب حکم خود را می‌راند و سیل از کوه سرازیر شده بود. اختلاف دیدگاه‌ها در مرکزیت حزب پیرامون مسائل انقلاب ۵۷ بالا گرفت و زنده یاد اسکندری همانقدر از انقلاب فاصله گرفت که نورالدین کیانوری با آن همسوتر شد. سرانجام نیز، همزمان با بازگشت آیت الله خمینی به ایران و در آستانه پیروزی انقلاب ۵۷ سکان رهبری حزب توده ایران از ایرج اسکندری زیر بار انقلاب نرفته و بیم خود را از سلطه روحانیون بر کشور رسماً اعلام داشته بود، گرفته شد و به کیانوری که مبتکر سیاست همسوئی با انقلاب بود سپرده شد.

پس از یورش به حزب توده ایران، آغاز مهاجرت جدید و تشکیل پلنوم ۱۸ در مهاجرت نوین، ایرج اسکندری نه با داعیه رهبری مجدد حزب توده ایران، بلکه با چهره منتقد روحانیون و منتقد سیاست خط امام اما برای احیای دوباره رهبری حزب توده ایران، در این پلنوم حضور یافت. چه در جلسات عمومی و چه در دیدارهای خصوصی افسوس خود را از بازگشت همه کادرهای ورزیده و ارزنده حزب توده ایران به کشور بیان داشت. همه آنها که در زندان جمهوری اسلامی بودند. با صراحت اعلام داشت که نباید همه کادر رهبری حزب را به داخل کشور فرا می‌خواندیم، خوش باوری و اعتماد به خمینی و اطرافیان او بیش از ظرفیت واقعی آنها بود. اسکندری از معدود شرکت‌کنندگان کنگره ۱۸ بود که در حضور بزرگانی چون رادمثنش، اردشیر آوانسیان، داوود نوروزی و... چند بار اطمینان خود را از قتل عام همه زندانیان توده‌ای در جمهوری اسلامی مطرح کرد. پلنوم روزی تشکیل شد که ریشه‌ری محاکمه گروه اول نظامی‌ها، اعضای سازمان نوید و کیانوری را آغاز کرده بود.

متن کوتاهی را در اعتراض به این محاکمات نوشت و گفت که برای روزنامه "اومانیته" که شدیداً به آن علاقمند بود بفرستند. اطلاعیه که تمام شد، گفت: بر سر خون زندانی‌های ما با انگلیس معامله خواهند کرد!

اخیراً کتاب "دنیای ارانی" به همت باقر مومنی در تهران منتشر شده است. کتاب حاوی اطلاعات جالب و جمع‌بندی دقیقی است از دوره اول ماهنامه "دنیا" و زندگی و شخصیت دکتر ارانی قبل از زندان و در طول زندان منجر به قتل او. در این کتاب اطلاعات ارزنده‌ای نیز در باره نویسندگان اولیه نشریه دنیا و یا در واقع، همکاران ارانی در دنیا ارائه شده است.

گرچه، مانند همیشه سمت گیری ضد کامبخش و کیانوری، در بخش های مهمی از کتاب، از اعتبار این کار ارزنده می کاهد. این سمت گیری توام با پیش داوری و پس داوری تاکنون اجازه نداده است شخصیت والای کامبخش نیز آنگونه که شایسته و لازم است در جامعه سیاسی و فرهنگی ایران باز شناخته شود و دریغ و افسوس که باقر مومنی نیز نتوانسته است خود را از زیر فشار این پیش داوری ها و پس داوری ها بیرون بکشد و از انسانی سخن بگوید که صبور و بردبار کشتی حزب توده ایران را در گردباد مهاجرت پس از ۲۸ مرداد هدایت کرد و یا در هدایت آن نقش اساسی را داشت و در سال های پرحادثه پیش از آن، در مهاجرت آذربایجان نیز سپر حفاظ بسیاری از چهره های ماندگار تاریخ سیاسی چپ ایران شد. همین پیشداوری ها و جداسازی های این و آن از هم توسط کسانی که به هر دلیل با این و یا آن عضو رهبری حزب توده ایران در این و یا آن مقطع اختلاف سلیقه و دید داشته اند موجب شده تا آن روی دیگر شخصیت کامبخش بعنوان محقق صالح و دقیق نیز در سایه قرار گیرد.

در همین کتاب در باره زنده یاد ایرج اسکندری، دبیر اول اسبق حزب توده ایران می خوانیم: در تهیه و انتشار مجله دنیا، بجز دکتر ارانی، از همان آغاز، ایرج اسکندری با نام مستعار "جمشید" و بزرگ علوی با نام مستعار "فریدون ناخدا" شرکت فعال داشتند. به نحوی که علاوه بر تهیه مطالب اقتصادی - سیاسی و هنری - اجتماعی، برای تامین مخارج مجله نیز که هزینه هر شماره آن ۴۰ تومان برآورده شده بود، ایرج اسکندری ماهانه ۸ تومان و بزرگ علوی ماهانه ۵ تومان پرداخت می کردند.

ما در شماره های آینده راه توده، بخش های مستند و تاریخی کتاب ارانی را با یقین به بیهوده بودن شانه به شانه شدن باقر مومنی با هیزم کشان دشمنی با بخشی از رهبری حزب توده ایران و یا بخشی از تاریخ حزب منتشر خواهیم کرد. این نوع ستیزه جوئی ها یگانه تفاوتی که با کارهای ارزان و در واقع خود زنی امثال "فریدون کشاورز" تنها با نفرتی همراه شده است که همگان از رفتار و سرنوشت رهبری جمهوری اسلامی دارند. چنان، که چون نمی توانند درباره جمهوری اسلامی سخن بگویند و آنچه را در دل دارند بیرون بریزند، به رهبری وقت حزب توده ایران حمله می کنند!! این هم از آن پدیده های تاریخی در ایران است. تقریباً پدیده ای که پس از ۲۸ مرداد نیز باب شده بود و دربار کودتا نیز خود بدان دامن می زد. در آن مقطع نیز چون نمی توانستند به کودتاچیان حمله کنند و یا در باره آنها سخن بگویند، به حزب توده ایران حمله می کردند که چرا جلوی کودتا را نگرفته است. و این در حالی بود که هرگز پاسخ ندادند چرا پیش از کودتا به یاری حزب توده ایران نشتافتند و آن را تقویت نکردند که جلوی کودتا بایستند؟ نه تنها چنین نکردند که علیه آن هم عمل کردند. این شگرد تنها شامل ملیون و مصدقی ها نبود، بلکه طیفی از چپ های به میدان درآمده نیز اسیر همین شگرد هدایت شده رژیم وقت بودند.